



آیا فقط مردان خلیفه الهی هستند

عضو هیئت علمی مؤسسه آلمانی مطالعات شرقی قاهره گفت: انسان کامل نه به عنوان انسان بی نقص است بلکه زن و مرد در کنار هم کامل می شوند و اینکه قرآن، خلافت را طرح کرد مرادش آدم و حوا با همدیگر بوده است.

عضو هیئت علمی مؤسسه آلمانی مطالعات شرقی قاهره گفت: انسان کامل نه به عنوان انسان بی نقص است بلکه زن و مرد در کنار هم کامل می شوند و اینکه قرآن، خلافت را طرح کرد مرادش آدم و حوا با همدیگر بوده است. ارسال/ مراد از خلیفه الهی انسانیه گزارش ایکنا، یاسمین امین (Dr. Yasmin Amin)؛ عضو هیئت علمی مؤسسه آلمانی مطالعات شرقی OIB قاهره و دکتری مطالعات اسلامی دانشگاه اکستر در درس گفتاری که از سوی آکادمی اخلاق پژوهی روشمند با عنوان کلی درآمدی به اخلاق قرآنی برگزار شد به موضوع «الانسان الکامل، بی نقص یا تمام شده؟ بینش هایی از اخلاق داستان های قرآنی» پرداخت که متن سخنان وی به شرح زیر است؛

کلمه خلیفه در برخی آیات مانند یا داود انا جعلناک خلیفه به صورت فرد آمده است و در برخی آیات مانند: هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ قَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا، به صورت جمع آمده است. وقتی قرآن خلیفه را به صورت مفرد به کار می برد منظور، حضرت آدم(ع) است و وقتی آن را به صورت جمع آورده است منظور پیامبر(ص) بوده است که برخی از صوفیان آن را به موارد دیگر از خلیفه تعمیم می دهند که افرادی غیر از آدم را در برمی گیرد.

عنوان خلیفه با ویژگی های الهی به افراد اطلاق می شود و تعبیر خلیفه الله هم این معنا را دارد؛ ابن عربی در فصوص الحکم در فصل اول به انسان کامل پرداخته است هرچند که پیشینه بحث انسان کامل در آثار منصور حلاج و ابوریحان بیرونی انعکاس یافته است. این ایده در نقاشی لئوناردو داوینچی هم بازتاب دارد. بحث انسان کامل در خود قرآن به صورت مستقیم نیامده ولی در احادیث ذکر شده است.

در مطالعات دانشگاهی، تعبیر انسان کامل برای مرد به کار می رود و زنان خارج از این مقوله در نظر گرفته شده اند در حالی که قرآن می فرماید ما زن و مرد را از نفس واحد خلق کردیم. ابن عربی هم اشاره دارد که زنان می توانند در پی کسب ویژگی های انسان کامل باشند و این شرط را گذاشته است که باید ویژگی های زنانگی را در رسیدن به این هدف کنار بگذارند. دلیل اینکه تحقق این مرتبه را به مردان نسبت می دهند از بعد عقلانیت است زیرا در برخی احادیث و تفاسیر، اشاره به نقصان زن در این زمینه دارد.

بر اساس برخی برداشت ها، زنان گرچه در دنیا اقلیت در نظر گرفته می شوند ولی زنان در جهنم تعداد زیادی خواهند بود، در حالی که در قرآن تصویری کاملاً متفاوت با این موضوع قابل مشاهده است. در ذیل آیاتی از سوره آل عمران، تفاسیر و فقه مطالبی را در مورد زنان نادیده گرفته و یا واژگونه بیان کرده است.

چرا قرآن داستان زنان را مطرح می کند؟

در مورد زنان خاص مانند حضرت مریم(س) قرآن مطالب زیبایی ذکر کرده است که سؤالاتی در این زمینه برای ما مطرح می شود؛ سؤال اول اینکه قرآن چه هدفی از بیان داستان ایشان داشته است و دیگر اینکه قرآن قصد دارد چه چیزی را تغییر دهد؟ تمام تلاش قرآن بر این است که برداشت های ناعادلانه در مورد زنان را به برداشت عادلانه تغییر دهد.

خداوند در سوره بقره به آدم و همسر او به صورت مساوی اشاره کرده و فرموده است که آن ها هر دو فریب شیطان را خوردند و از جنت بیرون رفتند زیرا از درخت ممنوعه خوردند و به تعبیری ابتدا آدم از آن خورد و بعد حوا و وقتی توبه کردند هر دو بودند. در آیه «فَأَكَلَا مِنْهَا قَبَذَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» هم مخاطب مفرد دارد که خود حضرت آدم(ع) است؛ در آیه ۱۲۱ بقره هم آدم(ع) خودش به تنهایی عمل نافرمانی و خوردن میوه ممنوعه را انجام داد و بعد همسرش از او تبعیت کرد.

در سوره اعراف هم آیاتی وجود دارد که نشان می دهد هر دو لغزش داشتند و توبه کردند و مشمول رحمت خدا واقع شدند و این نشان می دهد انسان ها باید مسئولیت عملکرد خود را فارغ از جنسیت خود بپذیرند.

در داستان همسر عمران(امراه عمران) هم به استقلال و اعتماد به نفس زن عمران اشاره دارد که شگفت آور است. او هیچ

تردیدی برای آینده فرزندش ندارد و این مسئله نشانه تقوا و تزکیه روحی این زن است. او با اختیار خود، فرزندش را برای خدا نذر کرد و این نشان می دهد مادر حق حضانت کامل را دارد که چنین کاری را انجام داده است. همسر عمران، خودش نام فرزندش را انتخاب کرد و او را نذر خدا کرد (إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي ۖ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) و در اینجا هیچ اشاره ای به دخالت عمران که انسانی متقی است نداریم لذا همسر عمران استقلال بالایی داشته است.

اینکه این فرزند به معبد راه داده نشد به خاطر آن بود که فضای مردسالاری وجود داشت و متولی امور مذهبی جلوی ورود ایشان را به بیت المقدس می گرفت؛ خداوند به طرزی معجزه وار مریم(س) را به عمران عطا کرد و او را به عنوان برترین زنان عالم معرفی کرد که برگزیده خداوند است و خداوند کفالت او را به یکی از بهترین بندگان یعنی زکریا(ع) بخشید. این در حالی است که در فقه می بینیم ولایت فرزند فقط به مرد داده می شود ولی در داستان مریم(س) می بینیم مادر تصمیم گیرنده اصلی است.

در داستان سوره یوسف(ع) هم نقشی را که همسر عزیز مصر دارد نقش مهمی است؛ قرآن در مورد زلیخا با بیانی عفوآمیز در مورد او سخن گفته است زیرا از تعبیر «قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا» استفاده کرده است یعنی عشق به یوسف(ع) دست خود او نبود. قرآن در ماجرای بریده شدن دست زنانی که به قصر دعوت شدند قصد دارد تاکید کند این زنان در دیدن یک لحظه ای یوسف شیفته جمال او شدند و دستان خود را بریدند در حالی که زلیخا مدت مدیدی با او زندگی و او را بزرگ کرده بود لذا خداوند انحراف زلیخا را توجیه کرده است.

تمجید قرآن از یک ملکه زن

در ماجرای سوره سبا و ملکه سبا هم می بینیم این ملکه دانا با اینکه با اطرافیانش مشورت کرد ولی در نهایت خودش تصمیم گرفت و تصمیم درستی هم گرفت که منجر به حفظ سرزمین او شد؛ خداوند لفظ عرش عظیم را برای او به کار برد در صورتی که در موارد مشابه دیگر از عرش به تنهایی یا کرسی سخن گفته است.

در ماجرای ام موسی هم او فرزندش را در صندوقی به داخل نیل انداخت ولی او نجات یافت و نقش مادر در این داستان، شگفت انگیز است. در مورد ملکه سبا از توانمندی های او سخنی وجود ندارد ولی در قرآن در مورد توانمندی و امکانات عجیب حضرت سلیمان(ع) مطالب زیادی وجود دارد از جمله اینکه او با باد به سرعت به بلاد مختلف می رفت و در یک چشم بر هم زدن تخت بلقیس را برای او آوردند.

از ۱۲ زنی که بنده در مورد آنان مطالعه کردم فقط دو تن یعنی حوا و زلیخا گرفتار خطا شدند و انجیل از خطای آدم در وهله اول سخن گفت. در قرآن هم تمایل زلیخا به یوسف(ع) با تعبیر حبا(دوستی) یاد می شود نه درخواستی از روی هوس.

در قرآن، مردان در مقایسه با زنان خطاهای بیشتری مرتکب شده اند از جمله این که حضرت موسی بدون اینکه واقعا بخواهد یک فرد را کشت یا آدم از میوه ممنوعه خورد و یا حضرت یونس در شکم ماهی گرفتار شد.

آنچه از قرآن برمی آید آن است که انسان کامل را برای اقامه عدالت و گسترش ذریه آدم بر روی زمین آفریده است و این دو هم نیازمند خلق زن است زیرا بدون زن، مرد و زن دیگری خلق نخواهد شد. البته زوجیت صرفا برای انسان نیست و در همه موجودات وجود دارد.

انسان کامل نه به عنوان انسان بی نقص است بلکه زن و مرد در کنار هم کامل می شوند و اینکه قرآن، خلافت را طرح کرد مرادش آدم و حوا با همدیگر بوده است و اینکه آدم و حوا به تنهایی نمی توانند به عنوان خلیفه و یا انسان کامل مورد پذیرش قرار بگیرند؛ خداوند متعال فقط کامل است و انسان زمانی می تواند ماموریت و وظایف خود را انجام دهد که ترکیب زن و مرد در کنار هم باشند.